

آیین دادرسی کیفری

(جلد نخست)

۱۳۴۵۱۴۷

دکتر جواد طهماسبی

دادیار دیوان عالی کشور و عضو هیأت علمی دانشگاه



عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور : آیین دادرسی کیفری (جدید) جلد اول /

جواد طهماسبی

مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ج ۱: ۳۲۰ ص؛ ج ۲: ۳۲۸ ص

فروست : علوم اجتماعی: ۸۹۳

شابک : 978-964-511-693-2: ج. ۱؛ 978-964-511-694-9: ج. ۲

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

موضوع : آیین دادرسی جزایی — ایران

موضوع : حقوق جزا — ایران

شناسه افزوده : طهماسبی، جواد، ۱۳۳۵ — مولف

رده‌بندی کنکرد : چ ۴۶۰۳/۸ KMH

رده‌بندی دیویی : ۳۴۵/۵۵۰۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۹۸۹۴۸

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
لطفاً در صورت مشاهده، موارد ذرا به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۸۹۳

نشر میزان

آیین دادرسی کیفری (جلد اول)

دکتر جواد طهماسبی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۶۹۳-۲

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعداز چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکيسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
فصل نخست - کلیات و اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری.....	۲۵
مبحث نخست - آیین دادرسی کیفری: از مفهوم‌شناسی تا ویژگی‌ها.....	۲۵
گفتار نخست - تعریف و اهداف آیین دادرسی کیفری.....	۲۵
الف - تعریف آیین دادرسی کیفری.....	۲۵
ب - اهداف آیین دادرسی کیفری.....	۲۹
گفتار دوم - اهمیت و ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری.....	۳۱
الف - اهمیت آیین دادرسی کیفری.....	۳۱
ب - ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری.....	۳۳
مبحث دوم - نظام‌های دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری.....	۴۰
گفتار نخست - از نظام‌های دادرسی اتهامی تا نظام‌های دادرسی مختلط.....	۴۰
الف - نظام‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی.....	۴۱
۱- نظام دادرسی اتهامی.....	۴۱
۱-۱. فقدان جنبه عمومی جرایم.....	۴۲
۱-۲. ترافعی بودن رسیدگی و قضات غیرحرفه‌ای.....	۴۲
۱-۳. شفاهی بودن رسیدگی.....	۴۲
۱-۴. علنی بودن رسیدگی.....	۴۲
۱-۵. رعایت تساوی افراد در برابر دادگاه.....	۴۳
۱-۶. اقرار به مثابه ملکه‌ی اتهام و عدم حاکمیت اصل برائت.....	۴۳

- ۲- نظام دادرسی تفتیشی ۴۴
- ۲-۱. پذیرش جنبه‌ی عمومی برای جرایم ۴۵
- ۲-۲. غیرترافعی بودن رسیدگی و قضات حرفه‌ای ۴۵
- ۲-۳. کتبی بودن رسیدگی ۴۶
- ۲-۴. غیر علنی بودن رسیدگی ۴۶
- ۲-۵. ادله اثبات دعوی ۴۶
- ب - نظام‌های دادرسی مختلط و اسلامی ۴۷
- ۱- نظام دادرسی مختلط ۴۷
- ۲- نظام دادرسی اسلامی ۴۸
- ۱-۲. ویژگی‌های منصب قضاوت در اسلام ۴۹
- ۲-۲. ویژگیهای قضا در اسلام ۴۹
- گفتار دوم - اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری ۵۰
- الف - مفهوم اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری ۵۰
- ب - مهمترین اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری ۵۲
- ۱- اصل برائت ۵۲
- ۲- استقلال و بی‌طرفی قاضی ۵۴
- ۳- اصل تساوی افراد در برابر قانون ۵۶
- ۴ - اصل قانونی بودن دادرسی کیفری ۵۸
- ۵ - رعایت حقوق دفاعی متهم ۶۰
- ۶ - حق برخورداری از کرامت و حیثیت ۶۱
- ۷ - حق آگاه شدن از حقوق مربوط به فرایند رسیدگی ۶۲
- ۸ - دادرسی در مهلت معقول و متعارف ۶۳
- ۹ - رعایت حریم خصوص در فرایند دادرسی کیفری ۶۵
- ۱- ۹. مفهوم و مصادیق حریم خصوصی ۶۵
- ۲- ۹. حریم خصوصی جسمانی ۶۶
- ۳- ۹. حریم خصوصی اماکن و اشیاء ۶۶
- ۴- ۹. حریم خصوصی ارتباطات ۶۷

- ۵- ۹. حریم خصوصی اطلاعات..... ۶۷
- ۶- ۹. حریم خصوصی در اسلام..... ۶۸
- ۷- ۹. حریم خصوصی در قانون اساسی و اسناد بینالمللی..... ۷۰
- ۱۰- رعایت حقوق شهروندی..... ۷۱

فصل دوم - دعوای عمومی در دادسرا..... ۷۷

- مبحث نخست - مرجع تعقیب دعوای عمومی و شروع به آن..... ۷۷
- گفتار نخست - نهاد دادسرا و شروع به تعقیب دعوای عمومی..... ۷۷
- الف - دادسرا و انواع آن..... ۷۸
- ۱- سابقه و ویژگی های دادسرا..... ۷۸
- ۱-۱. تاریخچه و تشکیلات دادسرا..... ۷۸
- ۲-۱. ویژگی های دادسرا..... ۸۰
- ۱-۲-۱. دادسرا هیأت واحد..... ۸۰
- ۲-۲-۱. سلسله مراتب قضات دادسرا..... ۸۲
- ۳-۲-۱. استقلال دادسرا..... ۸۴
- ۱-۲-۳-۱. استقلال دادسرا از بازپرس..... ۸۴
- ۲-۳-۲-۱. استقلال دادسرا از دادگاه..... ۸۵
- ۳-۲-۳-۱. استقلال دادسرا از طرفین دعوی..... ۸۶
- ۴-۳-۲-۱. غیر قابل رد بودن دادسرا..... ۸۶
- ۵-۳-۲-۱. عدم مسئولیت دادسرا..... ۸۷
- ۲- انواع دادسراها..... ۸۸
- ۱-۲-۱. دادرای دیوان عالی کشور..... ۸۸
- ۱-۱-۲. مبنای تشکیل..... ۸۸
- ۲-۱-۲. وظایف..... ۸۹
- ۱-۲-۲-۱. انجام وظیفه در معیت دیوان عالی کشور..... ۸۹
- ۲-۲-۱-۲. تقاضای تجویز اعاده دادرسی از سوی رئیس قوه قضاییه در..... ۹۲

- ۹۰.....وضعیت خلاف شرع بین بودن آراء (اعاده دادرسی خاص).....
- ۹۱.....۳-۱-۲. نظارت بر کلیه دادرساهای عمومی و انقلاب و نظامی.....
- ۹۱.....۴-۱-۲. سایر وظایف.....
- ۹۲.....۲-۲. دادرسرای عمومی و انقلاب.....
- ۹۶.....۳-۲. دادرسرای ویژه نوجوانان.....
- ۹۸.....۴-۲. دادرسرای نظامی.....
- ۹۹.....۵-۲. دادرسرای نظامی زمان جنگ.....
- ۹۹.....۶-۲. دادرسرای ویژه روحانیت.....
- ۱۰۰.....ب- آغاز تعقیب دعوای عمومی.....
- ۱۰۰.....۱- تعقیب: تکلیف یا اختیار دادستان.....
- ۱۰۱.....۱-۱. قاعده الزامی بودن تعقیب.....
- ۱۰۲.....۲-۱. قاعده موقعیت داشتن تعقیب.....
- ۱۰۴.....۲- جهات قانونی شروع به تعقیب دعوای عمومی.....
- ۱۰۵.....۱-۲. طرح شکایت.....
- ۱۰۷.....۱-۱-۲. بزه دیده محجور فاقد سرپرست قانونی.....
- ۱۰۸.....۲-۱-۲. امتناع سرپرست قانونی از طرح شکایت.....
- ۱۰۸.....۳-۱-۲. بزه دیده ناتوان.....
- ۱۰۹.....۲-۲. سازمان های مردم نهاد.....
- ۱۱۰.....۳-۲. اعلام و اخبار مقامات رسمی.....
- ۱۱۱.....۴-۲. اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن.....
- ۱۱۲.....۵-۲. وقوع جرم مشهود در برابر مقام قضایی.....
- ۱۱۲.....۶-۲. اظهار و اقرار متهم.....
- ۱۱۳.....۷-۲. اطلاع دادستان به طرق قانونی دیگر.....
- ۱۱۳.....۸-۲. اعلام و اخبار ضابطان.....
- ۱۱۴.....گفتار دوم - ضابطان دادگستری و تعقیب دعوای عمومی.....
- ۱۱۴.....الف - مفهوم شناسی ضابطان دادگستری.....
- ۱۱۶.....ب - انواع ضابطان دادگستری.....

۱- ضابطان عام دادگستری.....	۱۱۶
۲- ضابطان خاص دادگستری.....	۱۱۸
۱- ۲. دسته‌بندی ضابطان خاص به اعتبار وضعیت ضابط بودن آنان.....	۱۱۸
۲- ۲. شرایط و حدود اختیارات پاره‌ای از ضابطان خاص.....	۱۲۱
۱- ۲- ۲. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران.....	۱۲۱
۲- ۲- ۲. رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.....	۱۲۳
۳- ۲- ۲. مأموران وزارت اطلاعات.....	۱۲۳
۴- ۲- ۲. سایر نیروهای مسلح.....	۱۲۴
۵- ۲- ۲. ضابطان نظامی.....	۱۲۵
۶- ۲- ۲. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.....	۱۲۶
۳- وظایف و اختیارات ضابطان در مرحله تعقیب.....	۱۲۷
۱- ۳. وظایف و اختیارات ضابطان با توجه به نوع جرم.....	۱۲۸
۱- ۳- ۱. در جرایم مشهود.....	۱۲۸
۲- ۳- ۱. در جرایم غیر مشهود.....	۱۳۱
۲- ۳. وظایف و اختیارات ضابطان در ارتباط با متهم.....	۱۳۱
۱- ۳- ۲. فوریت در انجام دستورات.....	۱۳۲
۲- ۳- ۲. عدم بازداشت بیش از ۲۴ ساعت.....	۱۳۲
۳- ۳- ۲. رعایت حقوق فرد تحت نظر.....	۱۳۲
۴- ۳- ۲. اطلاع‌رسانی از حقوق زمان تحت نظر بودن.....	۱۳۲
۳- ۳. وظایف و اختیارات ضابطان در ارتباط با بزه‌دیده.....	۱۳۳
۴- ارزش اثباتی گزارش ضابطان.....	۱۳۳
۵- ضمانت اجراء نقض ضوابط مربوط به ضابطان.....	۱۳۶
۱- ۵. ممنوعیت ارجاع امر به افراد غیر ضابط.....	۱۳۶
۲- ۵. ضمانت اجراء بطلان تحقیقات.....	۱۳۷
۳- ۵. ضمانت اجراء نقض مقررات توسط ضابطان.....	۱۳۷
مبحث دوم - پایان تعقیب دعوای عمومی.....	۱۳۸

گفتار نخست - جایگزینهای تعقیب دعوای عمومی و موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی

۱۳۹.....

الف - جایگزینهای تعقیب دعوای عمومی..... ۱۳۹

۱- ترک تعقیب..... ۱۴۰

۲- قرار بایگانی پرونده..... ۱۴۱

۳- قرار تعلیق تعقیب..... ۱۴۳

۴ - میانجی‌گری در مرحله تعقیب..... ۱۵۲

ب - موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی..... ۱۵۷

۱- مصونیت‌ها..... ۱۵۸

۱- ۱- مصونیت کیفری قضات..... ۱۶۰

۱- ۱- ۱- قلمرو موضوعی مصونیت قضایی..... ۱۶۲

۲- ۱- ۱- عدم تعرض در جرایم غیر عمدی..... ۱۶۳

۳- ۱- ۱- قلمرو شخصی مصونیت قضایی..... ۱۶۳

۴- ۱- ۱- قلمرو زمانی مصونیت قضایی..... ۱۶۴

۲- ۱- مصونیت پارلمانی..... ۱۶۵

۱- ۲- ۱- ماهیت مصونیت نمایندگان..... ۱۶۶

۲- ۲- ۱- قلمرو مکانی مصونیت نمایندگان..... ۱۶۷

۳- ۲- ۱- قلمرو زمانی مصونیت نمایندگان..... ۱۶۷

۴- ۲- ۱- قلمرو شخصی مصونیت نمایندگان..... ۱۶۸

۵- ۲- ۱- قلمرو موضوعی مصونیت نمایندگان..... ۱۶۸

۳- ۱- مصونیت سیاسی..... ۱۶۹

۱- ۳- ۱- مأموران دیپلماتیک..... ۱۷۰

۲- ۳- ۱- مأموران کنسولی..... ۱۷۰

۳- ۳- ۱- مأموران سیاسی خاص..... ۱۷۱

۲- قرار اناطه..... ۱۷۲

۱- ۲- مفهوم اناطه و سوابق آن..... ۱۷۲

۲- ۲- عدم شمول اناطه به اموال منقول..... ۱۷۴

۱۷۴.....	۳-۲. قرار اناطه قاطع مرور زمان.....
۱۷۵.....	۴-۲. تشخیص مصادیق اناطه.....
۱۷۶.....	۵-۲. ضرورت وجود قرائن و امارات.....
۱۷۶.....	۶-۲. مرجع صدور قرار اناطه.....
۱۷۷.....	۷-۲. شرط صلاحیت دادگاه حقوقی بر موضوع اناطه.....
۱۷۸.....	۸-۲. اثر موضوع اناطه بر احراز مجرمیت متهم.....
۱۷۹.....	۹-۲. طرح دعوا توسط ذینفع و آثار آن.....
۱۷۹.....	۱۰-۲. امکان پذیر بودن طرح دعوای حقوقی.....
۱۸۱.....	۳-جنون مرتکب جرم.....
۱۸۱.....	۱-۳. مفهوم جنون.....
۱۸۲.....	۲-۳. جنون در مراحل مختلف دادرسی.....
۱۸۲.....	۱-۲-۳. جنون زمان وقوع جرم.....
۱۸۴.....	۲-۲-۳. جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی.....
۱۸۹.....	۳-۲-۳. جنون پس از صدور حکم قطعی.....
۱۹۰.....	۴-عدم شناسایی مرتکب جرم.....
۱۹۴.....	گفتار دوم - اسباب سقوط دعوای عمومی.....
۱۹۴.....	الف - مرور زمان.....
۱۹۴.....	۱-چالش های مبنایی مرور زمان.....
۱۹۸.....	۲-مرور زمان در نظام حقوقی کیفری ایران.....
۱۹۹.....	۳-انواع مرور زمان.....
۱۹۹.....	۱-۳. مرور زمان شکایت.....
۲۰۱.....	۲-۳. مرور زمان تعقیب.....
۲۰۱.....	۳-۳. مرور زمان صدور حکم.....
۲۰۲.....	۴-۳. مرور زمان اجرای مجازات.....
۲۰۳.....	۴-ضوابط و شرایط کلی اعمال مرور زمان.....
۲۰۳.....	۱-۴. مبدأ مرور زمان.....
۲۰۴.....	۱-۴. در جرایم مستمر.....

۲۰۴.....	۲- ۱- ۴. در جرم بهعادت
۲۰۴.....	۳- ۱- ۴. در جرم مرکب
۲۰۵.....	۲- ۴. قلمرو مرور زمان
۲۰۸.....	۳- ۴. قطع مرور زمان و آثار آن
۲۰۹.....	۴- ۴. تعلیق مرور زمان
۲۱۱.....	ب- فوت متهم یا محکوم علیه
۲۱۱.....	۱- قلمرو اعمال قاعده سقوط مجازات به جهت فوت مرتکب
۲۱۴.....	۲- فوت متهم در مراحل مختلف دادرسی
۲۱۵.....	۳- فوت متهم و دعوای خصوصی
۲۱۵.....	ج- شمول عفو
۲۱۶.....	۱- عفو عمومی
۲۱۷.....	۲- عفو خصوصی
۲۱۹.....	د- نسخ مجازات قانونی
۲۲۱.....	ه- گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت
۲۲۳.....	۱- ضابطه تشخیص جرائم قابل گذشت
۲۲۴.....	۲- اثر تفکیک جرایم
۲۲۴.....	۳- شرایط گذشت شاکی
۲۲۶.....	۴- آثار گذشت شاکی
۲۲۷.....	و- اعتبار امر مختوم کیفری
۲۲۹.....	۱- اعتبار امر مختوم به استناد رأی مرجع کیفری
۲۳۰.....	۱- ۱. وحدت سبب
۲۳۰.....	۲- ۱. وحدت موضوع
۲۳۳.....	۳- ۱. وحدت اصحاب دعوا
۲۳۴.....	۲- اعتبار امر مختوم در دعوای حقوقی
۲۳۴.....	۳- اعتبار امر مختوم دادگاه‌های خارجی در ایران
۲۳۶.....	ز- توبه

فصل سوم - دعوای خصوصی در امور کیفری ۲۴۱

مبحث نخست - سبب و ماهیت دعوای خصوصی قابل طرح در دادگاه کیفری ۲۴۲

گفتار نخست - دعوای عمومی و خصوصی مرتبط با امر کیفری ۲۴۲

الف - منشأ دعوای عمومی و دعوای خصوصی ۲۴۳

۱- منشأ دعوای عمومی: حیثیت عمومی یا جنبه الهی؟ ۲۴۳

۲- حیثیت خصوصی منشأ دعوای خصوصی ۲۴۵

ب - دعوای خصوصی قابل طرح به تبع امر کیفری ۲۴۷

۱- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۲۴۷

۲- رد مال ۲۴۸

۳- رفع تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق و اعاده وضع به حال سابق

..... ۲۵۱

۴ - مطالبه دیه ۲۵۴

گفتار دوم - ضرر و زیان‌های قابل مطالبه ۲۵۴

الف - ضرر و زیان مادی ۲۵۵

۱- منافع ممکن‌الحصول ۲۵۵

۲- ضرر و زیان بدنی ۲۵۷

ب - ضرر و زیان معنوی ۲۶۱

مبحث دوم - شرایط اقامه دعوای خصوصی مرتبط با امر کیفری ۲۶۵

گفتار نخست - مرجع اقامه دعوای خصوصی به تبع امر کیفری و مقررات خاص

پیرامونی آن ۲۶۶

الف - مرجع اقامه دعوای خصوصی مرتبط با امر کیفری ۲۷۰

ب - مقررات خاص طرح دعوای خصوصی در دادگاه کیفری ۲۷۴

۱- مقررات مربوط به خواهان ۲۷۴

۲- مقررات مربوط به خوانده ۲۷۶

۳- مقررات مربوط به فرایند دعوا ۲۷۹

۱- ۳. در جریان بودن دعوای عمومی ۲۷۹

۲۷۹.....	۲-۳. انتخاب دادگاه.....
۲۸۰.....	۳-۳ مهلت اقامه دعوا.....
۲۸۱.....	۴-۳. تبعیت یا عدم تبعیت دعوی خصوصی از دعوی عمومی.....
۲۸۵.....	۵-۳. اجرای احکام دعوی خصوصی.....
۲۸۶.....	گفتار دوم - جبران خسارت وارده به بازداشت شدگان بی گناه.....
۲۸۶.....	الف - مبنا و ماهیت خسارت ناشی از بازداشت شدن بی گناه.....
۲۸۶.....	۱- مبناي فقهی و حقوقی لزوم جبران خسارت بازداشت شدگان بی گناه.....
۲۸۸.....	۲- سابقه جبران خسارت از افراد بازداشت شده بی گناه.....
۲۹۰.....	۳- تحلیل نظام حقوقی ایران پیرامون جبران خسارت ناشی از بازداشت افراد بی گناه.....
۲۹۲.....	۴- قلمرو استحقاق افراد برای جبران خسارت.....
۲۹۴.....	ب - شرایط طرح دعوی مطالبه خسارت.....
۲۹۴.....	۱- مرجع طرح دعوا.....
۲۹۴.....	۲- نحوه رسیدگی.....
۲۹۷.....	۳- مرجع پرداخت خسارت.....
۲۹۹.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۳۰۳.....	نمایه واژگان و اصطلاحات.....
۳۱۸.....	نمایه مواد.....

پیشگفتار

حدود یکصد و چهار سال است که در کشور ما عدالت کیفری از نظر شکلی با توسل به سازوکارهای نوین در قالب مقررات «آیین دادرسی کیفری» نظام‌مند شده است. تغییر نام این شاخه حقوق کیفری در سال (۱۳۱۷) از «اصول محاکمات جزایی» به «آیین دادرسی کیفری» تأثیری در ماهیت اقتباس شده آن از کشورهای اروپایی و به صورت خاص قانون ارائه شده پس از انقلاب کبیر فرانسه نداشت. قانون آیین دادرسی کیفری مجموعه قواعد و تشریفات است که رسیدگی‌های کیفری از رهگذر آن انجام می‌شود و بر حرکت کنش‌گران عرصه اجرای عدالت از لحظه کشف جرم تا پایان اجرای مجازات سایه افکنده و آنان را از نقطه آغاز به پایان این فرآیند رهنمون است. به عبارت دیگر می‌توان گفت کنش‌گران عرصه عدالت کیفری، اعتبار وجودی و شرح وظایف و اختیاراتشان را از این قانون عاریه می‌گیرند.

مسیر اجرای ضوابط و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری عرصه تقابل میان حقوق و آزادی‌های فردی با ضرورت حفظ نظم و امنیت اجتماعی است به نحوی که چرخش و تمایل به یک طرف جز با تنه زدن به طرف مقابل مقدور نیست. هر چند سعی در جدایی این دو مقوله از همدیگر خطا است و کوبیدن بر طبل آن غیر لازم، ولی سخن را باید این گونه مطرح کرد که مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن رعایت تعامل و تعادل این دو مقوله، ثمره آن تضمین امنیت جامعه با رعایت حقوق و آزادی‌های فردی باشد. برخلاف تصور سطحی، منظور از فرد در این مقوله، تنها شخص متهم، شاکی و شاهد نیست، بلکه اهمیت آیین دادرسی کیفری در این است که برعکس قانون جزای ماهوی که مخاطب آن فقط ناقضان قانون است، تابعان این قانون تمام آحاد جامعه اعم از ناکرده بزه تا بزه‌کار است. اگر کسی نمی‌تواند بدون

دلیل فردی را احضار، جلب یا بازداشت کند و یا در حریم خصوصی او دخالت نارد، کند، به ظرس قاطع باید گفت که تنها در سایه احکام پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری است. کدام فرد جامعه است که نیاز به این حمایت نداشته باشد؟ اما نباید فراموش شود همین افراد در وهله نخست نیاز به امنیت دارند.

تضمین امنیت جامعه و رعایت حقوق آحاد آن اقتضاء دارد که پا به پای تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی مقررات این قانون نیز به نحوی متحول و مبتنی بر آخرین نوآوری‌های علمی تنظیم شود که بتواند این اهداف را تحقق بخشد. با یک نگاه خوش‌بینانه می‌توان علت تغییر و تحولات در حوزه آیین دادرسی کیفری و تشکیلات و ساختارهای آن را ناشی از این ضرورت دانست. از سال (۱۲۹۰) که «قانون موقتی اصول محاکمات جزایی» به تصویب کمیسیون خاص در وزارت عدلیه و سپس در سال (۱۲۹۱) به تأیید کمیسیون مربوط در مجلس وقت رسید، تا سال (۱۳۵۸) بارها دستخوش تغییرات و اصلاحات شد. از این زمان به بعد اصلاحات به لحاظ کلی بودن به تحولات مبدل گشت، به نحوی که در سال (۱۳۵۸) با تصویب شورای انقلاب و به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی، درجه و تقسیم‌بندی انواع دادگاه‌ها با تشکیل دادگاه‌های عمومی برجیده شد. البته در امور کیفری دادرسی در معیت دادگاه‌های موصوف تداوم حیات داد. با فاصله اندکی در سال (۱۳۶۱) رویکرد قانونگذار به درجه‌بندی دادگاه‌های کیفری شکل گرفت و با تشکیل دادگاه‌های کیفری (۱) و (۲) این هدف تحقق یافت. در سال (۱۳۷۳) دوباره نظام قضایی به سمت عمومی بودن دادگاه‌ها تمایل پیدا کرد و دادگاه‌های عمومی و انقلاب این بار عمومی‌تر از گذشته با حذف دادرسی ایجاد شد. یک دهه دیگر در آزمون و خطای تکراری سپری شد تا سرانجام در سال (۱۳۸۱) با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب باری دیگر شاهد احیاء دادرسی و تشکیل دادگاه‌های درجه‌بندی شده باشیم. در این وضعیت دادگاه عمومی جزایی با یک قاضی و دادگاه کیفری استان با تعدد قاضی و در معیت آن‌ها دادرسی عمومی و انقلاب و در بخش‌ها دادگاه عمومی بخش چارچوب ساختارهای کیفری را شکل دادند. مدور بودن این اصلاحات نشان از سردرگمی سیاست‌جنایی در نحوه شکلی مقابله با جرم دارد و نمی‌توان از آن به عنوان تحولاتی یاد کرد که درصدد تضمین امنیت بهتر جامعه یا رعایت بیشتر حقوق و آزادی‌های فردی باشد.

پایان این آزمون و خطا به بازگشت کلی به نظام پیش تجربه شده تشکیل دادرسی در

معیت دادگاه‌های درجه‌بندی شده و رسیدگی به جرایم مهم با تعدد قاضی ختم گردید. این نظام از یک سو از فقدان آیین دادرسی کیفری متناسب رنج می‌برد، زیرا آیین دادرسی کیفری حاکم همان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بود که متناسب با ساختار دادگاه‌های عمومی تصویب شده بود. از سوی دیگر بازگشت شتاب‌زده به نظام پیشین، فرصت متناسب‌سازی ساختارها و تشکیلات کیفری با اقتضائات روز را سلب کرده بود، به نحوی که ساختارهای موجود نیاز به ارتقاء و به روزرسانی و متناسب‌سازی داشت. برای رفع این کاستی‌ها ضرورت تدوین قانون آیین دادرسی کیفری به نحوی که علاوه بر اصلاح فرایندها و نحوه رسیدگی متضمن اصلاح ساختارها و مراجع کیفری نیز باشد، بر کسی پوشیده نبود.

در سال (۱۳۷۹) هم‌زمان با تدوین قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که سرانجام در سال (۱۳۸۱) با شهرت قانون احیاء دادرسی تصویب نهایی و اجرا شد، دادگستری استان تهران جمعی از قضات دادگستری را به منظور تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری مأمور نمود که نتیجه کار آنان در سال (۱۳۸۳) در قالب لایحه‌ای با (۳۴۲) ماده ارائه گردید.

در سال (۱۳۸۳) «اداره کل تدوین لوایح و برنامه‌ها» به عنوان یکی از ادارات کل زیرمجموعه معاونت حقوقی و توسعه قضایی به صورت خاص برای پیگیری امور مربوط به لوایح و برنامه‌ها در قوه قضاییه تشکیل شد. کار پی‌گیری لایحه موصوف به این اداره کل محول شد. مجموعه مدیران و کارشناسان شاغل در معاونت موصوف عقیده داشتند که «لایحه جامع آیین دادرسی کیفری» باید در سطح وسیع‌تر تدوین شود. به نحوی که شاهد بهره‌گیری از دست‌آوردهای علمی جدید علوم جنایی در زمینه‌های مختلف از جمله مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی مبتنی بر دادرسی افتراقی، عدالت ترمیمی، حقوق شهروندی و رعایت حریم خصوصی باشیم. همچنین ضرورت طراحی تشکیلات و ساختارهای کیفری منطبق با نیازهای روز، از جمله مقوله‌هایی بود که در پیش‌نویس لایحه به آن توجه نشده بود. به طور کلی پیش‌نویس تهیه شده تنها پالایش مقررات سابق قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب (۱۳۷۸) بود که با بهره‌گیری حداقلی از قانون آیین دادرسی کیفری (۱۲۹۱) تدوین و از نوآوری خاصی برخوردار نبود و به نوعی بازنویسی مقررات قبلی بود.

شفاف‌سازی و نظارت دقیق بر ضابطان و تعیین دقیق حدود و وظایف آن‌ها، ضرورت تفکیک مرحله تعقیب از تحقیق، توسعه اختیارات دادستان در بهره‌گیری از اصل موقعیت داشتن تعقیب، توجه بیشتر به حقوق شهروندی و حریم خصوصی، تدوین اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، وضعت مقررات جدید در مورد کارشناسی، بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی از طریق شرکت و مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در تعقیب امور کیفری، تدوین شرح وظایف دادستان کل، توسعه قرارهای تأمینی و پیش‌بینی قرار نظارت قضایی، امکان مطالبه خسارت ناشی از بازداشت افراد بی‌گناه، حذف موارد بازداشت موقت اجباری از قوانین، پیش‌بینی دادرسی‌های افتراقی در زمینه اطفال و نوجوانان، دادرسی جرایم نیروهای مسلح، دادرسی اشخاص حقوقی، دادرسی الکترونیکی و جرایم رایانه‌ای و پیش‌بینی تشکیلات لازم برای اجرای احکام کیفری، توسعه مقررات مربوط به اجرای احکام، شفاف‌سازی آیین‌های رسیدگی در دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور و پیش‌بینی تشکیلات دادگاه‌ها، دادسرا، دیوان عالی کشور و نسخ صریح ده‌ها عنوان قانون از جمله رئیس مطالب جدیدی است که در لایحه جامع به آن پرداخته شد.

از طرفی در سال (۱۳۸۱) سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری (دام عزه) پیرامون مسائل قضایی ابلاغ شده بود که بخش قابل توجهی از آن باید در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری تحقق می‌یافت. استفاده از تعدد قضات در پرونده‌های مهم، تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطح مورد نیاز، یکسان‌سازی آیین‌های دادرسی در نظام قضایی کشور، تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای ضابطان و کارشناسان و محدود کردن حبس‌ها (پیش از محکومیت) مهمترین سیاست‌هایی هستند که در ابلاغیه موصوف تصریح شده بودند و در تدوین این قانون باید جامه اجرایی بر آن‌ها پوشیده می‌شد.

مجموع این ضرورت‌ها و تأکید صاحب‌نظران بر نیاز به انجام مطالعات دقیق و وسیع‌تر جهت طراحی اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری و تدوین ضوابط و مقررات مبتنی بر آن اصول، منجر به برنامه‌ریزی برای انجام مطالعات و تدوین لایحه جامع آیین دادرسی کیفری شد.

بر این اساس کمیته‌های متعددی تشکیل گردید که به صورت موضوعی مطالعات را به عهده داشتند. این کمیته‌ها عبارت بودند از: کمیته حمایت از حقوق بزه‌دیده، کمیته ضابطان دادگستری، کمیته بررسی علمی صحنه جرم و جمع‌آوری ادله و کارشناسی،

کمیته بررسی مقررات رسیدگی در دادگاه، کمیته قرارهای تأمین و نظارت قضایی، کمیته جبران خسارت از افراد بازداشت شده بی‌گناه، کمیته مقررات اجرای احکام کیفری، کمیته ادله اثبات جرم، کمیته دادرسی عادلانه و مقررات بین‌المللی، کمیته تشکیلات دادگاه‌ها و صلاحیت آن‌ها، کمیته نحوه اعتراض به آراء و مراجع آن، کمیته تحقیقات مقدماتی و اختیارات دادستان و بازپرس، کمیته دادرسی الکترونیکی، کمیته دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان و در پایان مراحل تصویب کمیته رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی همزمان بخش دادرسی نیروهای مسلح درسازمان قضایی نیروهای مسلح در دست تدوین بود.

علاوه بر این، مطالعات موردی پیرامون مرور زمان^۱، اعاده دادرسی و هزینه‌های دادرسی و سایر موارد جزئی توسط کارشناسان انجام شد و به صورت موردی نظر اساتید آیین دادرسی کیفری اخذ می‌گردید. مطالعات تطبیقی نیز بخشی از قلمرو این مطالعات را به خود اختصاص داده بود. کمیته‌ها و پژوهشگران موصوف ماحصل مطالعات خود را در قالب پیش‌نویس اولیه مواد به کارگروه تدوین‌کننده لایحه ارائه می‌دادند. کارگروه تدوین‌کننده به طور کلی مرکب از قضاتی بودند که علاوه بر برخورداری از سابقه کار قضایی اکثر قریب به اتفاق آنان در مقطع دکتری مشغول تحصیل بودند. حسب مورد نمایندگان مجلس، مسؤولان عالی قضایی کارشناسان ذی‌ربط در حوزه‌های مختلف اساتید دانشگاه و پژوهشگران مربوط نیز در این کارگروه حضور می‌یافتند.

ماحصل تلاش کارگروه موصوف توسط ریاست محترم قوه قضاییه در رأس کارگروه دیگری مرکب از جمعی از معاونان و مسؤولان عالی قضایی و اساتید دانشگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از تدوین نهایی لایحه، جهت اخذ نظر به دادگستری‌های کل استان‌ها و دانشگاه‌ها و مراکز علمی و حرفه‌ای مثل کانون‌های وکلا ارسال شد. نظرات واصل شده در حدود یک‌هزار و پانصد صفحه دسته‌بندی و در جلسات کارگروه تدوین‌کننده اولیه به مدت (۱۰) ماه با تشکیل جلسات روزانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و لایحه نهایی تدوین گردید که پس از بررسی مجدد

۱. مقررات مربوط به مرور زمان که در حال حاضر به موجب مواد (۱۰۵) الی (۱۱۳) قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) مقرر شده است. در لایحه آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده بود که در مراحل پایانی تدوین این لوایح در قوه قضاییه به لایحه مجازات اسلامی منتقل گردید.

توسط رئیس محترم قوه قضاییه و ویراستاری ادبی و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۷ جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی به دولت ارسال شد. این نکته باید اضافه شود که در زمان تدوین و پیگیری تصویب لایحه دو سمینار دانشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران تشکیل و لایحه در معرض نقد اساتید و دانشجویان قرار گرفت.

بررسی لایحه در کمیسیون‌های لوایح دولت با دعوت از نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به مدت (۱۴) ماه به طول انجامید که سرانجام در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۶ توسط مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کارگروهی مرکب از استادان صاحب نظر و به نام آیین دادرسی کیفری از دانشگاه‌های معتبر دولتی و تعدادی از قضات دیوان عالی کشور و مشارکت پژوهشگران مرکز موصوف و نماینده قوه قضاییه، مجدداً لایحه را بررسی نمودند.

سرانجام در اجرای اصل (۸۵) قانون اساسی اختیار تصویب آزمایشی این لایحه به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی واگذار شد. فرایند بررسی آن در کمیسیون از خرداد سال (۱۳۸۸) آغاز که در چند مرحله تصویب و پس از اصلاح ایرادات شورای محترم نگهبان، تا ماده (۵۷۰) این قانون در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ به تصویب نهایی کمیسیون و در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۶ به تایید نهایی شورای محترم نگهبان رسید که برای مدت سه سال به صورت آزمایشی اجرا شود. در فرایند تصویب و اصلاح این بخش از قانون، شورای محترم نگهبان در چهار مرحله و پس از تشکیل (۴۰) جلسه مجموعاً (۱۲۸) ایراد و تذکر مطرح کرد. متناسب با این ایرادات و تذکرات در کمیسیون قضایی و حقوقی برای تأمین نظر شورا شورای محترم نگهبان اصلاحات لازم انجام گرفت. سرانجام این بخش از قانون در روزنامه رسمی ۲۰۱۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ ابلاغ و در ماده آخر آن پیش‌بینی شد که شش ماه پس از ابلاغ لازم الاجراء می‌شود.

بخش‌های هشتم الی دوازدهم قانون شامل مقررات مربوط به آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، دادرسی الکترونیکی، دادرسی جرایم رایانه‌ای و دادرسی جرایم اشخاص حقوقی یعنی از ماده (۵۷۱) الی (۶۶۹) در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به تصویب نهایی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید، پس از چند مرحله رفع ایرادات شورای محترم نگهبان در تاریخ ۹۳/۷/۳۰ تایید نهایی شد. در ماده آخر آن مقرر شد که: «این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش‌های هشتم، نهم، دهم،

یازدهم و دوازدهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجراء است. مدت آزمایشی این بخش نیز همان سه سال تعیین شد.

هنوز قانون به بوته آزمایش و اجرا گذاشته نشده بود که دست تقدیر از آستین اصلاحات درآمد و آن را مورد نوازش قرار داد و در قالب یک طرح که سرانجام با (۳۸) ماده در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ به تصویب نهایی کمیسیون قضایی و حقوقی و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ به تایید شورای محترم نگهبان رسید، بخش‌هایی از قانون با اصلاحاتی مواجه شد. قضاوت پیرامون این اصلاحات باید به صورت موردی صورت گیرد که از حوصله این جستار خارج است. اما بطور کلی می‌توان گفت محور این اصلاحاتی چالش‌های اجرایی بود. به عنوان مثال توسعه صلاحیت دیوان عالی کشور به جرایم درجه چهار گرچه مطلوب بود، اما چالش فراروی آن کمبود قضات دیوان مطرح شد. انجام تحقیقات مقدماتی تمام جرایم توسط بازپرس منطبق با اصل تفکیک مرحله تعقیب از مرحله تحقیق ولی کمبود بازپرس مانع اجرای آن است. ضرورت حضور هر سه عضو جهت تشکیل دادگاه‌های با تعدد قاضی و دیوان عالی کشور گرچه منطبق با بند (۷) سیاست‌های کلان قضایی، اما مانع آن کمبود قضات بود. بخشی دیگر از اصلاحات، یا رفع ایرادات نگارشی و رفع ابهام از عبارات قانونی بود و یا نکات جدیدی بود که پس از تصویب قانون مطرح شده بود و به نوبه خود اسباب ارتقاء قانون را فراهم نمود. نحوه تحقیق از عاقله و رعایت حقوق اتباع بیگانه که تحت تعقیب قرار می‌گیرند از جمله این نکات جدید است.

مطالعات و بررسی‌های علمی صورت گرفته جهت تدوین این قانون با این هدف انجام شده است که مقررات و ضوابط آن مبتنی بر اصول و مبانی علمی وضع شود. چه اینکه آثار تازیانة تفسیرها مبتنی بر تشخیص فردی و سلیقه‌ای در وضع مقررات آیین دادرسی کیفری بر پیکر نظام حقوقی کشورمان فراموش نشدنی است. زمانی اعتراض به آراء دادگاه‌ها غیر ممکن بود غافل از اینکه «حکمت» در صورتی قطعی است که انشاءکننده آن مجتهد جامع الشرایط قضاوت باشد. در عصر دیگری دادر، دادستان و بازپرس خلاف موازین شرع معرفی شدند، غافل از اینکه ماهیت و پیچیدگی جرایم و رسیدگی به آن‌ها با گذشته‌ها بسیار متفاوت است.

آنچه گفته شد به مفهوم مبرا بودن قانون جدید از هر عیب و نقصی نیست. در

بعضی موارد خطاهای صورت گرفته قابل اغماض نیست چه اینکه اندیشه‌ها، مبانی و قلم‌های مؤثر در هک و اصلاح قانون از مسیر تدوین تا تصویب و ابلاغ بسیار متفاوت است. تعدد مراجع تصویب‌کننده و تصمیم‌گیر و تشتت مبانی، سبب تعارض می‌شود و این واقعیتی است که نظام تدوین و تصویب قانون از آن رنج می‌برد. اگر قانون مدنی یا آیین دادرسی کیفری (۱۲۹۱) علی‌رغم ایرادات وارد نسبت به دیگر قوانین از انسجام و استحکام برتری برخوردار هستند و یا قوانین تصویب شده توسط شورای انقلاب به حق از این ویژگی برخوردارند، به این علت است که تعداد محدودی از صاحب‌نظران از ابتدا تا انتها متولی و مسؤول تدوین این قوانین بوده به نحوی که تصویب آن‌ها از طوفان‌های فصول مختلف تصویب و تازیانه‌های تشتت مبانی در امان بوده‌اند.

علاوه بر ایرادات ناشی از وضعیت موصوف، این قانون با چالش اجرایی مواجهه است. گرچه حجمه غیر قابل اجرا بودن آن ناصواب و افراطی است، اما ضرورت مهیا نمودن زیرساخت‌ها حائلی جدی است. اگر زیرساخت‌های اجرایی این قانون گرچه با گذر زمان و در فرصت مناسب مهیا نشود، همانند فراهم شدن تعداد قضات مورد نیاز، تشکیل واحدهای جدید مثل مددکاری اجتماعی، تخصصی کردن ضابطان و ارتقاء سطح آنان، متناسب‌سازی نیروی انسانی (کمی و کیفی) و دیگر امکانات با میزان ماهیت امور، اجرای دقیق دادرسی الکترونیکی و بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و... باید در آینده پرچم اصلاحات دورانی برای بازگشت به وضعیت سابق برافراشته شود. اما این بار نه با هدف ارتقاء و پیشرفت نظام قضایی، بلکه جهت تسلیم شدن به مقدرات.

در کتاب حاضر به دور از هر گونه تعصب و علقه خاطر به قانون، سعی شده است مبتنی بر چارچوب‌های علمی و رعایت اصول تحلیل و تفسیر حقوقی و مطابق با سرفصل‌های دانشگاهی مطالب بحث و بررسی شود. طراحی کلی کتاب در چهار جلد است. جلد نخست به بررسی کلیات و اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، تعقیب دعوای عمومی در دادسرا و طرح دعوای خصوصی در دادگاه، اختصاص دارد و موضوع جلد دوم تحقیقات مقدماتی است. با توجه به نیاز جامعه علمی و دانشگاهی و حرفه‌ای و به طور کلی جامعه حقوقی به ادبیات حقوقی مبتنی بر قانون جدید، دو جلد موصوف که تاکنون تحریر آن‌ها به پایان رسیده در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد تا چنانچه توفیق الهی نصیب شود و فرصت دیگر مهیا گردد، نسبت به تحریر جلد‌های

سوم با موضوع تشکیلات و ساختار دادگاه‌ها، صلاحیت و نحوه رسیدگی و تجدیدنظر از آراء و جلد چهارم با موضوع اجرای احکام کیفری اقدام شود.

در پایان از تمام صاحب‌نظران دعوت می‌شود با ارسال نظرات خود به پست الکترونیکی Tahmasebi.dr@gmail.com نویسنده را در ارتقاء سطح کتاب یاری فرمایند. همچنین بر خود فرض می‌دانم از تمام اساتید و دوستانی که با تأکيدات مکرر خود حقیر را به سمت تحقیق و تدوین این کتاب سوق دادند، تقدیر و تشکر نمایم.

جواد طهماسبی

تیر ماه (رمضان) ۱۳۹۴